

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات

گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان پایان نامه

اعتباریات از دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی

استاد راهنما:

دکتر اسداله آذیر

استاد مشاور:

دکتر امیر شیرزاد

نگارش:

معصومه سورنی

آذر ماه ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی گرایش

فلسفه و حکمت اسلامی

دانشجو: معصومه سورنی

تحت عنوان:

اعتباریات از دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی

در تاریخ	توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه	به تصویب نهایی رسید.
۱- استاد راهنما	دکتر اسداله آژیر	با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
۲- استاد مشاور	دکتر امیر شیرزاد	با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضاء
۳- استاد داور داخل گروه	دکتر سیمین اسفندیاری	با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
۴- استاد داور خارج از گروه	دکتر عباس زین‌العابدینی	با مرتبه‌ی علمی مربی امضاء

شکر و قدردانی

سائش خداوندی را سزا است که نور علم را در جان آدمیان برافروخت

اکنون که پژوهش اینجانب در سایه سار رحمت ایزدیکتابه پایان رسیده است، شایسته است که از زحمات بی‌شائبه و راهنمایی‌های ارزنده‌ی جناب آقای دکتر آریز، استاد راهنا و جناب آقای دکتر شیرزاد، استاد مشاور تقدیر و تشکر نمایم. شاکردی در محضر این بزرگواران غنیمتی بود و آموزه‌هایشان چراغ روشنگر مسیر علمی‌ام.

از اساتید محترم جناب آقای دکتر زین‌العابدینی و سرکار خانم دکتر اسفندیاری که قبول زحمت داورمی این رساله را بر عهده داشتند کمال تشکر و امتنان را دارم.

بچنین تشکر می‌کنم از خانواده بزرگوارم که مشوق، همیشگی تلاش‌هایم و راهگشای تحصیلات من بوده‌اند و با تشکر از همسر گرامیم که در تمام مدت تدوین این رساله مساعدت فرمودند.

در نهایت از دوستانم عزیزم خانم هاله سلگی و زهره زارعی که صادقانه در این مسیر علمی یاری‌گرم بودند، بسیار ممنون و

سپاسگزارم.

«از درگاه یگانه‌ی نبی‌هما سلامتی و توفیقات روز افزون این عزیزان را خواهم»

تقدیم به

فرشته‌های آسمان سعادت‌م، پدر و مادر بزرگوارم

و تقدیم به

دو مویبت زندگانی ام، برادر و همسر عزیزم

چکیده

پژوهش حاضر به منظور ارائه و تطبیق دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی در باب مسئله‌ی مفاهیم اعتباری تدوین یافته است.

با توجه به اینکه شناخت مفاهیم اعتباری و تفکیک آنها از مفاهیم حقیقی در مباحث فلسفی جایگاه مهمی دارد و در عملکرد ذهن بسیار مؤثر است، این پژوهش در نظر دارد که به ارائه و تطبیق دیدگاه این دو فیلسوف اسلامی در باب مفاهیم اعتباری بپردازد. برای این منظور، سعی شده است که بعد از بیان دیدگاه سهروردی و علامه طباطبایی، در باب تعریف و تقسیم‌بندی مفاهیم حقیقی و اعتباری، نحوه‌ی وجود این مفاهیم در خارج و ذهن، ملاک صدق و مطابقت مفاهیم حقیقی و اعتباری، مصادیق مفاهیم اعتباری و...، به تطبیق دیدگاه این دو فیلسوف در باب مسائل ذکر شده، پرداخته شود.

مباحث مطرح شده در این رساله، روشن می‌سازد که هر دو فیلسوف به شناخت مفاهیم اعتباری و تمایز آنها از مفاهیم حقیقی، دست یافته‌اند. اما سهروردی، تقسیمی درباره‌ی مفاهیم اعتباری ارائه نداده و مفاهیم فلسفی و منطقی را در یک ردیف آورده است؛ به همین سبب، احکام مفاهیم منطقی را بر مفاهیم فلسفی بار کرده است؛ لیکن علامه، تقسیماتی را در مفاهیم اعتباری طرح می‌کند و مفاهیم فلسفی و منطقی را در دو گروه جداگانه قرار می‌دهد؛ لذا احکام آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. اختلاف دیدگاه این دو فیلسوف در بحث مفاهیم اعتباری، منجر به اختلافات دیگری در سایر مسائل فلسفی شده است. از جمله‌ی این مسائل، می‌توان به بحث «اصالت و اعتباریت وجود یا ماهیت» اشاره کرد. سهروردی یکی از مصادیق مفاهیم اعتباری را «وجود» می‌داند و این دیدگاه، منجر می‌شود که به او نسبت اصالت ماهوی بدهند؛ لیکن علامه تنها مفهوم «وجود» را اعتباری می‌داند؛ اما مصادیق آن را اصیل می‌شمارد و برای آن حقیقتی در خارج قائل است؛ از این رو، او قائل به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت می‌شود.

واژگان کلیدی: مفاهیم اعتباری، معقول ثانی، سهروردی، فلسفه اشراق، حکمت متعالیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- طرح پژوهش.....
۲	۱-۱-۱- بیان مسئله.....
۳	۲-۱-۱- پیشینه‌ی موضوع.....
۵	۳-۱-۱- اهداف پایان نامه.....
۵	۴-۱-۱- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان نامه.....
۶	۵-۱-۱- سؤالات پژوهش.....
۶	۶-۱-۱- روش تحقیق.....
۶	۲-۱- زندگی نامه.....
۶	۱-۲-۱- زندگی نامه‌ی سهروردی.....
۶	۱-۱-۲-۱- نگاهی به زندگی سهروردی.....
۷	۲-۱-۲-۱- آثار و تألیفات سهروردی.....
۹	۳-۱-۲-۱- اوضاع فکری دوران سهروردی.....
۹	۲-۲-۱- زندگی نامه‌ی علامه طباطبایی.....
۹	۱-۲-۲-۱- نگاهی به زندگی و دوران تحصیل علامه طباطبایی.....
۱۰	۲-۲-۲-۱- سلوک اخلاقی و عملی علامه طباطبایی.....
۱۲	۳-۲-۲-۱- تألیفات علامه طباطبایی.....

فصل دوم: مفاهیم اعتباری از دیدگاه شیخ اشراق

۱۵	۱-۲- پیشینه‌ی بحث.....
۱۵	۱-۱-۲- ابویوسف کندی.....
۱۶	۲-۱-۲- ابونصر فارابی.....
۱۶	۳-۱-۲- ابن سینا.....
۲۰	۴-۱-۲- بهمنیار.....

- ۲-۱-۵- جمع بندی..... ۲۱
- ۲-۲- سهروردی و مفاهیم اعتباری..... ۲۲
- ۲-۲-۱- ملاک و معیار سهروردی برای شناسایی مفاهیم اعتباری..... ۲۲
- ۲-۲-۲- تفکیک و تمایز صفات عینی و ذهنی از یکدیگر..... ۲۴
- ۲-۲-۳- ملاک صدق و مطابقت مفاهیم حقیقی و اعتباری نزد شیخ اشراق..... ۲۵
- ۲-۲-۴- مصادیق امور اعتباری نزد شیخ اشراق..... ۲۶
- ۲-۲-۵- اعتباریات و مقولات دهگانه..... ۲۸
- ۲-۲-۶- مفهوم «اعتباری» نزد سهروردی..... ۳۰
- ۲-۲-۶-۱- سه نظریه در مورد نحوه‌ی وجود مفاهیم اعتباری..... ۳۰
- ۲-۲-۶-۱-۱- نقد و بررسی براهین قول اول (مشائیان)..... ۳۰
- ۲-۲-۶-۱-۲- شرح و بررسی قول دوم (سهروردی)..... ۳۳
- ۲-۲-۷- ادله‌ی سهروردی بر اعتباری بودن مفاهیم عقلی..... ۳۴
- ۲-۲-۷-۱- دلیل بر اعتباری بودن «وحدت» و «کثرت»..... ۳۵
- ۲-۲-۷-۲- دلیل بر اعتباری بودن «وجوب» و «امکان»..... ۳۶
- ۲-۲-۷-۳- دلیل بر اعتباری بودن «اضافه» و «نسبت‌ها»..... ۳۷
- ۲-۲-۷-۴- دلیل بر اعتباری بودن «عدمیات»..... ۳۷
- ۲-۲-۷-۵- دلیل بر اعتباری بودن «لونیت»..... ۳۸
- ۲-۲-۷-۶- دلیل بر اعتباری بودن «عرضیت» و «جوهریت»..... ۳۸
- ۲-۲-۷-۷- دلایل سهروردی بر اعتباری بودن «وجود» و نقد آنها..... ۳۹
- ۲-۲-۸- مسئله‌ی اصالت ماهیت و اعتباریت وجود نزد شیخ اشراق..... ۴۵
- ۲-۲-۸-۱- مطرح نبودن بحث مزبور به شکل امروزی‌اش نزد شیخ اشراق..... ۴۵
- ۲-۲-۸-۲- موضوع فلسفه نزد شیخ اشراق..... ۴۷
- ۲-۲-۸-۳- معقول بالذات نزد شیخ اشراق ماهیت است نه وجود..... ۴۹
- ۲-۲-۸-۴- تقدم بالتجوهر علت بر معلول..... ۵۱
- ۲-۲-۸-۵- اصالت ماهیت در واجب الوجود..... ۵۲
- ۲-۲-۸-۶- سخنان به ظاهر متناقض با اصالت ماهیت..... ۵۲

۵۴.....۹-۲-۲- جمع بندی و ارزیابی

فصل سوم: مفاهیم اعتباری از دیدگاه علامه طباطبایی

۵۹.....۱-۳- سیرتاریخی بحث معقول ثانی از سهروردی تا علامه طباطبایی

۵۹.....۱-۱-۳- خواجه نصیر الدین طوسی

۶۲.....۲-۱-۳- سعدالدین تفتازانی

۶۲.....۳-۱-۳- غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی

۶۲.....۴-۱-۳- قوشچی

۶۳.....۵-۱-۳- سید سند

۶۴.....۶-۱-۳- جلال الدین دوانی

۶۵.....۷-۱-۳- میرداماد

۶۵.....۸-۱-۳- ملاصدر

۶۹.....۹-۱-۳- سبزواری

۷۲.....۱۰-۱-۳- جمع بندی

۷۴.....۲-۳- علامه طباطبایی و مفاهیم اعتباری

۷۴.....۱-۲-۳- ملاک و معیار طباطبایی برای شناسایی مفاهیم اعتباری

۷۷.....۲-۲-۳- تعریف معقولات اولیه و معقولات ثانیه‌ی فلسفی و منطقی

۸۰.....۳-۲-۳- وجه تسمیه‌ی معقولات ثانیه

۸۱.....۴-۲-۳- تقسیم بندی مفاهیم و تفکیک معقولات ثانی فلسفی و منطقی از یکدیگر

۸۴.....۵-۲-۳- تفاوت معقولات اولیه و معقولات ثانیه

۸۶.....۶-۲-۳- جایگاه معقولات سه گانه

۸۷.....۷-۲-۳- معقولات سه گانه و ربط آن با قضایای خارجی، حقیقه و ذهنیه

۸۸.....۸-۲-۳- نفس الامر و ملاک صدق قضایا

۹۰.....۹-۲-۳- مصادیق امور اعتباری

۹۷.....۱-۹-۲-۳- اعتباری بودن مفهوم وجود و اصیل بودن حقیقت آن

۹۹.....۱۰-۲-۳- نحوه‌ی پیدایش و انتزاع مفاهیم حقیقی و اعتباری

۹۹.....۱-۱۰-۲-۳- نحوه‌ی پیدایش و انتزاع معقولات اولی

- ۳-۲-۱۰-۲- نحوه‌ی پیدایش و انتزاع معقولات ثانیه‌ی منطقی ۹۹
- ۳-۲-۱۰-۳- نحوه‌ی پیدایش معقولات ثانی فلسفی و بیان خاص طباطبایی درباره‌ی پیدایش مفهوم وجود و عدم ۱۰۰
- ۳-۲-۱۱- نحوه‌ی وجود داشتن مفاهیم حقیقی و اعتباری ۱۰۵
- ۳-۲-۱۲- تقسیم وجود به مستقل و رابط ۱۰۹
- ۳-۲-۱۳- مسئله‌ی «اصالت وجود و اعتباریت ماهیت» نزد علامه طباطبایی ۱۱۱
- ۳-۲-۱۳-۱- برهان اثبات اصالت وجود ۱۱۲
- ۳-۲-۱۳-۲- موضوع فلسفه در نزد علامه طباطبایی ۱۱۴
- ۳-۲-۱۳-۳- مجعول بالذات وجود است نه ماهیت ۱۱۵
- ۳-۲-۱۳-۴- اصالت وجود در واجب الوجود ۱۱۶
- ۳-۳- اعتباریات اجتماعی و قراردادی ۱۱۷
- ۳-۳-۱- اصطلاحات دیگر واژه‌ی «اعتباری» ۱۱۷
- ۳-۳-۲- چگونگی و چرایی طرح «اعتباریات اجتماعی» از سوی علامه طباطبایی ۱۱۸
- ۳-۳-۳- تعریف «ادراکات اعتباری» ۱۱۹
- ۳-۳-۴- علل اختلاف اعتباریات و شیوه‌ی تشخیص ریشه‌های آنها ۱۲۲
- ۳-۳-۵- منشأ حصول «اعتباریات» و ارتباط آنها با امور حقیقی و تکوینی ۱۲۴
- ۳-۳-۶- مصادیق «اعتباریات اجتماعی» ۱۲۷
- ۳-۳-۶-۱- اعتباریات قبل از اجتماع ۱۲۸
- ۳-۳-۶-۱-۱- اعتبار اصل «استخدام»، اصل «اجتماع» و «حسن عدالت و قبح ظلم» ۱۲۸
- ۳-۳-۶-۱-۲- اعتبار «وجوب» ۱۲۹
- ۳-۳-۶-۱-۳- اعتبار «حسن و قبح» ۱۲۹
- ۳-۳-۶-۱-۴- اعتبار «انتخاب اخف و اسهل» (سخت و آسان) ۱۳۰
- ۳-۳-۶-۲- اعتباریات بعد از اجتماع ۱۳۱
- ۳-۳-۶-۲-۱- اعتبار «کلام و سخن» ۱۳۱
- ۳-۳-۶-۲-۲- اعتبار «ریاست و مرئوسیت» ۱۳۲
- ۳-۳-۶-۲-۳- اعتبار اصل «مالکیت» ۱۳۲

۱۳۴۳-۳-۶-۲-۴- اعتبار زوجیت
۱۳۴۳-۴- جمع بندی
فصل چهارم: مقایسه و نتیجه گیری	
۱۳۹۴-۱- پیشینه‌ی تاریخی شیخ اشراق و علامه طباطبایی در بحث «اعتباریات»
۱۴۰۴-۲- ملاک و معیار شناسایی مفاهیم اعتباری
۱۴۱۴-۳- تعریف و تقسیم‌بندی «معقولات»
۱۴۳۴-۴- ملاک صدق و مطابقت مفاهیم حقیقی و اعتباری
۱۴۴۴-۵- دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی درباره‌ی مصادیق مفاهیم اعتباری
۱۴۶۴-۶- دیدگاه دو فیلسوف درباره‌ی رابطه‌ی اعتباریات و مقولات دهگانه
۱۴۷۴-۷- نحوه‌ی پیدایش مفاهیم اعتباری
۱۴۸۴-۸- نحوه‌ی وجود مفاهیم حقیقی و اعتباری
۱۵۰۴-۹- معانی «اعتباری» نزد شیخ اشراق و علامه طباطبایی
۱۵۲۴-۱۰- دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی در مورد نتایج حاصله از بحث «معقولات ثانیه»
۱۵۷منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱- طرح پژوهش

۱-۱-۱- بیان مسئله

«اعتباریات» اصطلاحی است که در آثار فلاسفه اسلامی از شیخ اشراق تا صدرالمآلهین ناظر به اعتباریات نظری و فلسفی بوده است. این «اعتباریات»، همان‌هایی هستند که انتزاعیات و گاه «معقول ثانی» خوانده می‌شوند. شیخ اشراق در آثار فلسفی-منطقی‌اش، توجه خاصی به شناسایی مفاهیم و تفکیک آنها نموده است. مراد او از «اعتباریات»، امور ارزشی و قراردادی نیست؛ بلکه «اعتباریات» مفاهیمی هستند که هرچند به ماهیات و امور عینی نسبت داده می‌شوند، اما دارای فرد عینی نیستند. شیخ اشراق، بین مفاهیم حقیقی و اعتباری تفکیک قائل شده است؛ اما از تمایز دو دسته از مفاهیم منطقی و فلسفی غفلت نموده و احکام مفاهیم ثانیه‌ی منطقی را بر مفاهیم ثانیه‌ی فلسفی بار کرده است. بدین جهت، وی براساس ضوابطی که برای اعتباری بودن یک مفهوم قائل است، مطلق مفاهیم منطقی و فلسفی از جمله کلی، جزئی، امکان، وجوب، وجود و... را «معقول ثانی» می‌داند. منظور او از اعتباری بودن این مفاهیم، ذهنی محض بودن آنها است. وی معتقد است که هر دو دسته‌ی مفاهیم منطقی و فلسفی تنها در ذهن زائد بر ماهیت‌اند و در خارج چنین زیادتیی را نمی‌پذیرد. او از عدم زیادت این مفاهیم در خارج، ذهنی محض بودن آنها را نتیجه می‌گیرد و دلایل متفاوتی نیز بر این امر می‌آورد. عمده‌ی این ادله، تقریرهای متفاوتی از پدید آمدن تسلسل محال از فرض وقوع این مفاهیم در خارج است. سهروردی، معتقد است که اگر این مفاهیم در خارج موجود باشند، بایستی به صورت مستقل و زائد بر ذات موضوعاتشان، تحقق داشته باشند و از آنجا که این نحوه از وجود موجب تکرار این مفاهیم به نحو تسلسل‌آمیز می‌شود؛ لذا آنها نمی‌توانند خارجی باشند. او تصویری از این مطلب ندارد که این مفاهیم می‌توانند از حاق ذات شیئی انتزاع شوند و به صورت انتزاعی در خارج موجود باشند.

علامه طباطبایی نیز همانند شیخ اشراق، میان حقایق خارجی و اعتباریات ذهنی تمایز می‌نهد و مفاهیم را به دو دسته‌ی حقیقی و اعتباری تقسیم نموده است؛ اما برخلاف او و به تبعیت از ملاصدرا، بین معقول ثانی فلسفی و منطقی تفکیک قائل شده است. علامه، تنها مفاهیم منطقی را ذهنی صرف می‌داند و همانند شیخ اشراق معتقد است که مفاهیم منطقی همچون کلی، جزئی، جنس و نوع تنها در ذهن تحقق دارند و حیثیت مصداقشان در ذهن بودن است؛ اما برخلاف شیخ اشراق، مفاهیم فلسفی را ذهنی محض نمی‌داند؛ بلکه همانند ملاصدرا، برای آنها نوعی خارجیت از سنخ وجود رابط قائل می‌شود. البته، او نیز همانند سهروردی معتقد است که اگر این مفاهیم در خارج به صورت مستقل و زائد بر ذات موضوعاتشان محقق باشند، تسلسل پیش می‌آید؛ اما برخلاف سهروردی از این امر، ذهنی محض بودن این مفاهیم را نتیجه نمی‌گیرد؛ بلکه بر این باور

است که آنها در خارج به تبع وجود موضوعاتشان محقق هستند و وجود جداگانه و منحازی ندارند. مسئله‌ی دیگر این است که علامه برخلاف شیخ اشراق، تنها مفهوم وجود را اعتباری و ذهنی می‌داند؛ لیکن حقیقت آن را امری اصیل می‌شمارد و معتقد است که متن واقع را وجود تشکیل می‌دهد. این دو عقیده‌ی متفاوت راجع به وجود، منجر به نتایج متفاوتی از سوی این دو فیلسوف می‌گردد.

طباطبایی، علاوه بر بحث در باب مفاهیم اعتباری نظری و فلسفی که فلاسفه‌ی پیشین هم از جمله سهروردی درباره‌ی آن به بحث پرداخته‌اند، بحثی در باب مفاهیم اعتباری وضعی و قراردادی دارد که از ابتکارات خود او به شمار می‌رود؛ اما شیخ اشراق در این مورد، بحث مستقیم و مستقلاً ندارد. به طور خلاصه، منظور علامه از اعتباریات وضعی و قراردادی، فرض‌هایی است که انسان در جامعه به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه قراردادی و فرضی و اعتباری دارند و با واقع و نفس الامر سروکاری ندارند. بنابراین، اعتباریات فلسفی و نظری با اعتباریات اجتماعی تنها اشتراک لفظی دارند و معنای آنها با یکدیگر متفاوت است. در این پایان نامه، تلاشمان بر این است که ابتدا به بیان دیدگاه این دو فیلسوف در باب مفاهیم اعتباری فلسفی و نظری و سپس به بررسی تطبیقی میان این دو دیدگاه پردازیم و در خلال بحث، دیدگاه علامه طباطبایی را در مورد اعتباریات اجتماعی که از نوآوری‌های خود اوست، بیان نماییم.

۱-۱-۲- پیشینه‌ی موضوع

از جمله کسانی که در کتابهایشان به بحث درباره‌ی «اعتباریات» پرداخته‌اند، می‌توان از موارد زیر نام برد: شهید مطهری در شرح منظومه به بحث در باب اینکه معقول چیست و تعریف معقولات ثانیه و فرق آن با معقولات اولیه و ایرادات وارده بر آن پرداخته است. همچنین، وی به بحث درباره‌ی معانی اعتباری و شرایط اعتباری بودن مفهوم و ... پرداخته است.

او در دیگر اثرش که شرح مبسوط منظومه است، در ذیل بحث اصالت وجود به بحث اعتباری بودن از نظر شیخ اشراق، رد نظریه‌ی شیخ اشراق در اعتباری بودن وجود و همچنین به بحث اعتباری بودن مواد ثلاث و به رد ادله‌ی قائلین به عینی بودن مواد ثلاث پرداخته است.

وی در شرح اصول فلسفه و روش رئالیسم، در مقدمه‌اش بر مقاله‌ی پنجم به نحوه‌ی پیدایش کثرت در ادراکات می‌پردازد و در مورد محتوای مقاله که درباره‌ی کثرت بالذات ادراکات است، گزارش می‌دهد. بعلاوه، در مقدمه‌اش بر مقاله‌ی ششم که بحث آن درباره‌ی مفاهیم اعتباری وضعی و قراردادی است، این نوع مفاهیم را تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط می‌داند.

همچنین، در این موضوع می‌توان به دو اثر مهم آیت الله جوادی آملی، یعنی رحیق مختوم و شرح حکمت المتعالیه اشاره کرد. او در این دو اثر در مواضع مختلف، از مفاهیم اعتباری بحث کرده است. به عنوان مثال، در شرح حکمت المتعالیه، ذیل بحث‌های مربوط به برهان صدیقین در اثبات وجود خداوند و تشکیکی بودن

وجود به بحث‌هایی در باب مفهوم وجود و اینکه آیا کلی طبیعی در خارج موجود است یا نه، پرداخته است. وی در ریحی مختوم نیز آراء ملاصدرا را در فصلی تحت عنوان «در اینکه وجود بر چه وجهی از معقولات ثانیه گفته می‌شود و به کدام معنی توصیف بدان می‌گردد» شرح می‌دهد و در آنجا بحث مفصلی در رابط با معقولات ثانیه، تقسیم‌بندی و نحوه‌ی وجود آنها ارائه داده است.

به علاوه، در این باب می‌توان به دو اثر مهم آیت الله مصباح یزدی، یعنی شرح *نهایه الحکمه و تعلیقه بر نهایه الحکمه* اشاره کرد. او در این دو اثر، آراء علامه طباطبایی را به خوبی شرح داده است و در آنجا مباحثی در باب مفاهیم حقیقی و اعتباری بیان نموده است.

اثر دیگری که اخیراً در این باب چاپ شده است، *معقول ثانی* از محمد فنایی اشکوری است که در آن طی سه بخش، به بحث معقول ثانی در فلسفه‌ی اسلامی، معقول ثانی در فلسفه‌ی غرب و بررسی تحلیلی و تطبیقی معقولات اولی و ثانیه پرداخته است.

از جمله پایان‌نامه‌هایی که در این موضوع کار شده است، می‌توان از موارد زیر نام برد:

اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی و جان سرل توسط حسینعلی یوسف زاده در دانشگاه قم که در سه بخش به نگارش درآمده است: ۱- اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی ۲- افعال گفتاری از نظر جان سرل ۳- تطبیق اعتباریات از دیدگاه علامه و افعال گفتاری جان سرل.

رساله‌ی دیگر از زهرا حسینی مهرآبادی در مقطع کارشناسی‌ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، تحت عنوان *معرفت‌شناسی اعتباریات از نظر علامه طباطبایی و شهید مطهری* است.

پایان‌نامه‌ی دیگر، *بررسی آراء خاص علامه طباطبایی در الهیات به معنای اعم در مقایسه با آراء صدرالمتألهین* به قلم محمود حیدری در مقطع کارشناسی‌ارشد از دانشگاه قم می‌باشد که در آنجا نگارنده اثبات کرده است که بعضی از دیدگاه‌های علامه طباطبایی کاملاً ابتکاری است، مانند بحث اعتباریات، بعضی دیگر تحلیل بیشتر آراء صدرالمتألهین است، مانند دیدگاه ایشان در بحث حرکت در حرکت و برخی دیگر مناقشه و ایراد به دیدگاه صدرالمتألهین است، مانند بحث اقسام علت فاعلی.

از جمله مقالاتی که در این زمینه به تحریر درآمده‌اند، می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

معقول ثانی فلسفی در فلسفه مشایی- اشراقی توسط زهرا شریف و محسن جوادی که در آن به بحث معقولات ثانی فلسفی از خواجه نصیر تا میرداماد پرداخته‌اند. آنها در آنجا دیدگاه‌های بعد از خواجه نصیر را به دو دسته تقسیم کرده‌اند؛ یک دسته را افرادی همچون قاضی عضدالدین ایجی، دشتکی شیرازی و سعدالدین تفتازانی می‌دانند و معتقدند که دیدگاه‌های این افراد متأثر از شیخ اشراق و خواجه نصیر است و دسته‌ی دیگر را دیدگاه‌های جدیدی می‌دانند که از دیدگاه خواجه نصیر فاصله گرفته‌اند و از افرادی همچون ملاعلی قوشچی، سید سند، جلال‌الدین دوانی و میرداماد نام می‌برند و آراء آنها را شرح می‌دهند

مقاله‌ی دیگر با عنوان *تقریری نواز مسئله شر بر اساس نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی* به قلم سید مرتضی حسینی و حسین هوشنگی است که در آن به تبیین مسئله‌ی شر در عالم - با توجه به نوآوری علامه در باب اعتباریات - پرداخته شده است.

۱-۱-۳- اهداف پایان‌نامه

- ۱- تأثیراتی را که فلاسفه‌ی پیش از سهروردی، در بحث «اعتباریات» بر او گذاشتند، مورد بررسی قرار دهیم.
- ۲- دیدگاه سهروردی را درباره‌ی مفاهیم اعتباری و تأثیر او را بر فلاسفه‌ی بعدی بررسی نماییم.
- ۳- سیر تاریخی این بحث را از سهروردی تا علامه طباطبایی، مورد مطالعه قرار دهیم و اثر آن را بر علامه، بررسی نماییم.
- ۴- دیدگاه علامه طباطبایی را درباره‌ی مفاهیم اعتباری و اقسام آن مورد مطالعه قرار دهیم.
- ۵- وجوه اشتراک و اختلاف سهروردی و علامه طباطبایی را در باب «اعتباریات» بیان نماییم.

۱-۱-۴- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان‌نامه

معقولات ثانیه از مباحث محوری فلسفه است؛ لذا اگر این مفاهیم به خوبی روشن گردند، مسائل فلسفی نیز به خوبی فهمیده می‌شوند و خیلی از مغالطه‌ها اتفاق نمی‌افتد. در واقع، معقولات ثانیه‌ای همچون *امکان، وجوب، وجود، وحدت، کثرت* و... فلسفه را تشکیل می‌دهند؛ لذا شناخت آنها و تفکیک آنها از مفاهیم حقیقی، در عملکرد ذهن بسیار مهم است و موجب جلوگیری از بسیاری از استنباط‌های غلط می‌گردد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که اصول اولیه و پایه‌های فکر بشر، همین معقولات ثانیه است و اگر بخشی از اینها نباشد، منطقی وجود ندارد و اگر بخشی دیگر از اینها نباشد، فلسفه وجود ندارد. به نظر می‌رسد که اهمیت ذهن انسان از جهت درک معقولات ثانیه است و ادراک معقولات ثانیه یک درجه عالی‌تر از درجه‌ی تجرید و تعمیم است؛ چراکه اگرچه ذهن انسان به واسطه‌ی قوه‌ی تعمیم می‌تواند به درک مفاهیم کلی برسد، اما تنها به واسطه‌ی معقولات ثانیه است که می‌تواند از مفاهیم کلی، قضایای کلی و از قضایای قیاس بسازد و از قیاس استنتاج کند و علوم را بسازد و بالاخره فکر منطقی و فلسفی داشته باشد.

همچنین، مفاهیم اعتباری تأثیر زیادی در فهم و حل مسائل فلسفه‌ی اسلامی داشته است؛ لذا بحث و بررسی آن در فهم مباحث دیگر فلسفی تأثیرگذار است. دیگر اینکه، مباحثی که سهروردی در باب مفاهیم اعتباری مطرح کرده است، تأثیر فراوانی بر سیر مباحث فلسفی در حکمای بعد از خود همچون ملاصدرا و فلاسفه نوصدرایی همچون علامه طباطبایی داشته است؛ لذا پرداختن به این بحث از اهمیت بالایی برخوردار است و به نظر می‌رسد که بررسی این مسئله خالی از فایده نباشد.

۱-۱-۵- سؤالات پژوهش

- ۱- دیدگاه سهروردی درباره‌ی مفاهیم اعتباری و تقسیمات آن چیست؟
- ۲- دیدگاه علامه طباطبایی در باب «اعتباریات» چیست؟
- ۳- نقاط اختلاف و اشتراک سهروردی و علامه طباطبایی در باب «اعتباریات» چیست؟

۱-۱-۶- روش تحقیق

در این پایان نامه با بررسی کتب مختلف و منابع و مراجع به بررسی موضوع مورد بحث و تحلیل محتوای متون پرداخته شده است و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. روشی که در این تحقیق استفاده شده است، روش تحلیلی-توصیفی است و بررسی و استخراج نمونه‌ها نیز به روش فیش برداری است.

۱-۲- زندگی‌نامه

۱-۲-۱- زندگی‌نامه‌ی سهروردی

۱-۱-۲-۱- نگاهی به زندگی سهروردی

«شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی که در تاریخ فلسفه‌ی اسلامی به شیخ اشراق مشهور است، بنیان‌گذار مکتب فلسفی نوینی متمایز از مکتب مشاء است. سهروردی در قریه‌ی کوچک سهرورد، واقع در شمال غرب ایران، به سال ۵۴۹ متولد شد و به سال ۵۸۷ در حلب به قتل رسید. از این رو، گاهی او را شیخ مقتول می‌خوانند» (ضیایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۷۱). «سهروردی از دانشمندان بزرگ زمان خود بوده و در اصول تبحر داشته و در فروع به مذهب شافعی می‌رفته و شعر نیکو می‌سروده و در مناظره بسیار توانا بود و هیچ یک از معاصرانش به پای او نمی‌رسیده‌اند. وی حکمت و اصول فقه را از شیخ مجدالدین گیلانی در مراغه فرا گرفته است» (حلبی، ۱۳۶۱: ۳۶۸). شهرزوری در *نزه الارواح و روضه الافراح*، درباره‌ی شیخ اشراق می‌گوید که وی در جهت کسب علم و حکمت، مسافرت بسیار کرده است و در مراغه نزد مجدالدین جیلی، به تحصیل مشغول بوده است و از آنجا به اصفهان سفر کرده است. وی می‌گوید که به من چنین رسیده است که او بصائر ابن سهلان ساوی را نزد ظهیر فارسی خوانده است و از کتب او چنان به دست می‌آید که او در «بصائر» تأمل و توجه کرده است. شهرزوری، می‌گوید که سهروردی در اثنای سیر و سفرش با جماعت صوفیه نیز ملاقات کرده است و از آنها استفاده‌ها نموده است. پس از آن به ریاضات سخت و خلوات مشغول گشته است و در حکمت عملی به صورت به زی قلندران زندگی کرده است. او می‌گوید که سهروردی، در هفته یک بار افطار می‌کرده، اصلاً توجهی به امور دنیا نداشته است و عبادتش گرسنگی و بیداری و فکر و تأمل در عوالم الهی بوده است. سماع و نعمات موسیقی را بسیار دوست می‌داشته و صاحب

کرامات و آیات نیز بوده است. شهرزوری می‌گوید که به واسطه‌ی امور عجیبی که از او صادر می‌شده، او را «خالق البرایا» می‌نامیدند (شهرزوری، ۱۳۶۵: ۴۵۸-۴۵۹). وی در مورد ظاهر سهروردی می‌گوید که قامت و ریش معتدل و میانه داشته و چهره‌اش سرخ رنگ بوده است (همان: ۴۶۳).

شهرزوری، در مورد سبب به قتل رسیدن سهروردی نیز چنین گزارش می‌دهد:

و سبب کشتن او چنانچه به ما رسیده است، اینست که او چون از روم برآمد و به حلب رسید و به حسب اتفاق میان او و ملک ظاهر بن صلاح الدین یوسف که صاحب مصر و یمن و شام بود ملاقات افتاد، و ملک شیخ را دوست می‌داشت و معتقد بود، و علمای حلب بر شیخ جمع آمدند، و کلام و کلمات از او می‌شنیدند، و او در بحث‌ها تصریح می‌کرد به عقاید حکما و تصویب آنها و تزییف آرای مخالف حکما و در آن باب مناظره می‌کرد، و الزام می‌داد، و اسکات ایشان می‌گردانید در مجالس و درین هنگام به قوت روح القدس عجایب بسیار اظهار می‌ساخت، و علاوه‌ی کینه و عداوت ایشان می‌شد. پس آن جماعت بر تکفیر و کشتن او اجتماع کردند، چیزهای بزرگ بزرگ به او نسبت دادند، چنانچه گفتند: او دعوی نبوت می‌کند، و حال آنکه او بری بود ازین دعوی. حق سبحانه و تعالی حاسدان را زیانکار و بد روزگار سازد. سلطان را بر قتل او تحریک کردند، او ابا کرد. آنچه نوشتند به پدر او صلاح الدین این بود که: «اگر این مرد می‌ماند دین و دنیا را بر شما می‌شوراند و فاسد می‌گرداند». به پسر خود نوشت باید که او را بکشی. او نکشت. مرتبه دیگر نوشت و تهدید بر آن اضافه نمود که اگر او را نکشی حکومت حلب را از تو باز می‌گیرم (همان: ۴۶۰-۴۶۱).

شهرزوری، معتقد است که در مورد نحوه‌ی به قتل رسیدن سهروردی، روایات مختلفی وجود دارد. او در این باره می‌نویسد: «و در کیفیت قتل او سخنان مختلف شنیده‌ام: بعضی را گمان آنکه او را در بندیخانه انداختند و منع شراب و طعام کردند تا مرد، و برخی گویند که: او خود منع نفس از طعام نمود تا فوت فرمود، و بعضی برآند که او را خفه نمودند، و دیگری می‌گوید که: به شمشیر کشتند، و قومی برآند که از دیوار قلعه انداختند و سوختند» (همان: ۴۶۱).

۱-۲-۱-۲- آثار و تألیفات سهروردی

آقای ضیایی، معتقد است که سهروردی بیشتر رسالات مهم خود را در طول یک دوره‌ی ده ساله نوشته است و در همه‌ی آثار مهمش به رسالات دیگر خود ارجاع داده است. او این امر را دال بر این دانسته است که سهروردی نوشته‌هایش را کم و بیش هم‌زمان نوشته است و یا اینکه در زمان تدریس با توجه به دیگر آثار، آنها را اصلاح و بازنویسی کرده است (ضیایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۷۲). شهرزوری، اسامی کتب و تصنیفات او را بیان کرده است و معتقد است که ممکن است که وی تصنیفات دیگری داشته باشد؛ اما به ما نرسیده باشد. اسامی این آثار و تصنیفات طبق بیان شهرزوری، عبارت‌اند از:

- ۱- المطارحات ۲- التلویحات ۳- حکمه الاشراف ۴- اللمحات ۵- الالواح العمادیة ۶- هیاکل النور ۷-
- المقاومات ۸- الرمز المومی ۹- المبدأ و المعاد بالفارسیه ۱۰- بستان القلوب ۱۱- طوارق الانوار ۱۲-

التنقيحات في الاصول ١٣- كتاب في التصوف يعرف بالكلمه ١٤- البارقات الالهيه ١٥- النغمات السماويه ١٦- لوامع الانوار ١٧- الرقيم القدسي ١٨- اعتقاد الحكماء ١٩- كتاب الصبر ٢٠- رساله العشق ٢١- رساله في حاله الطفوليّه ٢٢- رساله المعراج ٢٣- رساله روزي با جماعه صوفيان ٢٤- رساله عقل سرخ ٢٥- رساله آواز پر جبرئيل ٢٦- رساله پرتونامه ٢٧- رساله الغربه الغريبه ٢٨- رساله يزدان شناخت ٢٩- رساله صفيير سيمرغ ٣٠- رساله لغت موران ٣١- رساله الطير ٣٢- رساله تفسير آيات من كتاب الله و خبر عن رسول الله (ص) ٣٣- رساله غايه المبتدى ٣٤- التسيحات و دعوات الكواكب ٣٥- ادعيه متفرقه ٣٦- السراج الوهاج ٣٧- الدعوات الشمسيه ٣٨- الواردات الالهيه ٣٩- تسخيرات الكواكب و تسيحاتها ٤٠- مكاتبات الى الملوك و المشايخ ٤١- كتب في السيمياء تنسب اليه ٤٢- الالواح الفارسيه ٤٣- تسيحات العقول و النفوس و العناصر ٤٤- الهياكل الفارسيه ٤٥- شرح الاشارات بالفارسيه (شهرزوري، ١٣٦٥: ٤٦٣-٤٦٤).

هانري كرين، نوعی دسته‌بندی از آثار سهروردی ارائه داده است؛ اما خود معتقد است که نمی‌توان یک دسته‌بندی تقویمی دقیق و واقعاً معنی‌دار، از آثار او ارائه داد. او بر این باور است که طبقه‌بندی آثار سهروردی، براساس مشخصه‌های درونی یا ذاتی آنها روشی مطمئن‌تر و سودمندتر خواهد بود و بر مبنای این روش آثار او را به چهار دسته تقسیم می‌کند. آن چهار دسته عبارت‌اند از:

١- دسته‌ی اول، مشتمل بر چهار کتاب است که می‌توان آنها را «گروه رساله‌های مهم اصول اعتقادی» نامید که به زبان عربی هستند. این کتاب‌ها یک اثر چهارگانه‌ی نظام‌مند هستند که سه کتاب اول برای تدارک مقدمات تحقیق در کتاب چهارم نگاشته شده‌اند. این چهار کتاب عبارت‌اند از: تلویحات، مقوامات، مطارحات، حکمه الاشراق.

٢- دسته‌ی دوم، متشکل از یک رشته آثار اعتقادی کم اهمیت‌تر است که برخی از آنها به عربی هستند و برخی دیگر به فارسی، یا اینکه خود مؤلف آنها را از عربی به فارسی در آورده است. این آثار عبارت‌اند از: هیاکل النور، الواح عمادی، پرتونامه، فی اعتقاد الحكماء، لمحات، يزدان شناخت، بستان القلوب.

٣- دسته‌ی سوم، یک سری جزوه‌های هستند که تقریباً همه‌ی آنها به فارسی نوشته شده‌اند. رسالاتی به صورت تمثیل، حکایات و داستان‌هایی که به هدف تعلیم و ارشاد نگارش یافته‌اند. از این دسته، می‌توان به این آثار اشاره کرد: عقل سرخ، آواز پر جبرئیل، قصه الغربه الغریبه، لغت موران، رساله فی حاله الطفولیه، روزی با جماعت صوفیان، صفيير سيمرغ، رساله فی المعراج.

٤- دسته‌ی چهارم، مجموعه‌ای کاملاً متمایز است؛ یعنی واردات و تقدیسات که شامل مجموعه‌ای از دعاهای روزانه در تقدیس فرشتگان حاکم بر گیتی می‌شود (کرین، ١٣٨٢: ٤٨-٤٩؛ امین رضوی، ١٣٧٧: ٣٠-٣١).